

انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نامهٔ هدایت

نامه‌ای از سید احمد الحسن علیه السلام

در پاسخ به پرسش‌های برخی انصار

سید احمد الحسن علیه السلام

وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام

مترجم

گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام

نام کتاب	نامه هدايت
نویسنده	احمد الحسن <small>عليه السلام</small>
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدي <small>عليه السلام</small>
نوبت انتشار	اول
تاريخ انتشار	۱۳۹۶
كد كتاب	۱۱۳/۱
ويرايش ترجمه	اول

جهت كسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن عليه السلام
به تارنماهای زیر مراجعه نمایید .

www.almahdyoon.co/ir
www.almahdyoon.co

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتابچه

این کتابچه:

عبارت است از نامه‌ای که سید احمدالحسن علیه السلام وصی و فرستاده امام مهدی علیه السلام (که خداوند در زمین تمکینش دهد)- به انصار غریب و دور از وطن در استرالیا مرقوم فرموده‌اند... در پاسخ به نامه‌ای که آنها برای یمانی آل محمد سید احمدالحسن علیه السلام نگاشته‌اند.

انصار امام مهدی علیه السلام چنین دیدند که انتشار این نامه در بردارنده فواید بسیاری است؛ چرا که این نوشتار علاوه بر کسانی که سید احمدالحسن علیه السلام برایشان نامه نگاشته‌اند، متوجه عامه نیز می‌باشد. برای بهره‌مندی هر چه بیشتر نامه‌ای که این انصار نوشته بودند را نیز در مقدمه این کتابچه اضافه کرده و بی هیچ نقصان و زیادتی مطالب را به ثبت رساندیم و این کتابچه را «نامه هدایت» نامیدیم.

از خداوند مسألت داریم که با حفظ اولیایش بر ما منت نهد و برای سید و مولایمان در زمینش تمکین عطا فرماید که او چه نیکو سرپرست و چه نیکو یاور است و نهایت دعای ما اینکه، سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است، سلام و صلوات تام و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمه و مهدیین باد!

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بارالها! سلام و صلوات تامّ خود را بر محمّد و آل محمّد، امامان و مهدیین،

ارزانی فرما!

سلام علیکم و رحمت الله و برکاته

و اما بعد.... به واقع نمی دانم از کجا و چگونه شروع کنم؛ چرا که سخن بسیار است، بسیار. اما در این چند سطر اندک چه بگویم و چه بیان کنم؟ در حالی که این، تنها یک کاغذ (خاموش) است، ولی به هر حال به قول معروف- از میانه شروع می کنم.

به سید احمد الحسن علیه السلام - که باری تعالی حفظش کند- وصی و فرستاده امام

حجّت بن الحسن علیه السلام که جان های ما همه به فدای تُراب مقدّمش!

آقای من! ای وصی! ما دو تن از پرستندگان باری تعالی هستیم و از جمله کسانی نیستیم که این بت های مرجعیّت صامت و خاموش از بیان حق را عبادت می کنند.

و اکنون و پس از اینکه خداوند متعال توسط برادر حامل این نامه (خدا حفظ کند) بر ما منت نهاد تا به شما ایمان آورديم، (اقرار می کنیم به) اینکه شما به راستی و درستی، وصی و فرستاده امام حجّت بن الحسن علیه السلام هستید و هر کس آن را دروغ بیندارد و وصی و فرستاده بودن شما ای آقای من- را انکار کند؛ عملاً کافر و از دین خارج است و دشمنش، جدّ شما رسول خدا صلی الله علیه و آله خواهد بود. در آن روزی که جایگاه ها و اطرافیان شان دیگر سودی به حالشان ندارند و نه حتی ثروت های حرامی که خوردند و صرف کارهای دنیایی خود نمودند. اینها و پیروانشان کسانی هستند که معروف را منکر و منکر را باطل شمردند، خدا آن ها

را بگشاید!

آقای من! ای وصی! من احمد- و برادرم- صادق- با تو بیعت کرده، پیمان می‌بندیم که شما به راستی و درستی وصی و فرستاده امام حجت بن الحسن -خداوند فرجشان را تعجیل فرماید- هستید.

و اینکه به فرمان شما گردن نهیم و نهی شما را آویزه گوشمان کنیم و اینکه با ارزش‌ترین و نفیس‌ترین (دارائیمان) و روحی که در وجودمان است را فدای شما کنیم.

ان شاء الله از زمینه‌سازان دولت‌های حق الهی خواهیم بود؛ دولتی که پیامبران، فرستادگان الهی و رسول خدا حضرت محمد ﷺ برایش زمینه‌سازی کردند و حسین شهید (علیه السلام) با خون پاک خود و یارانش برای آن جان‌فشانی نمودند و خاندان پیامبر به آن چشم دوخته و آن را تمنا نموده‌اند.

به هر روی، اکنون تنها در گرو اشارتی از سوی شما و امام مهدی -خداوند فرج مبارکش را تعجیل فرماید- هستیم و از خدا می‌خواهیم که با دعای خیرتان برای توفیق و ثبات قدم، بر ما منت نهید و اینکه خداوند ما را از انصار امام مهدی (جان‌های ما فدایش) قرار دهد تا انتقام رسول خدا ﷺ، علی (علیه السلام)، فاطمه (علیها السلام)، حسن و حسین (علیهم السلام) (و حضرت عباس و شهدا) و انتقام همه امامان را از کسانی که به آن‌ها ستم روا داشتند و با آن‌ها جنگیدند و از کسانی که به جنگیدن با آن‌ها رضایت دادند بستانیم، و اینکه قلب زهرا (علیها السلام)، ام‌البینین، زینب، رقیه و خاندان پاک رسول خدا ﷺ را مسرور گردانیم.

از اینکه وقت گرانبهای شما را ای سرورم- گرفتم عذر می‌خواهم، همچنین

از نوشتار بد خودم و همچنین از اینکه خودم و همسرم در حقانیت شما هر چند برای یک لحظه - تردید روا داشتیم عذر می‌خواهم. شما را به حق مادران زهرا علیها السلام قسم می‌دهیم که از ما درگذری و از خداوند مهربان بخشاینده، برای ما طلب بخشش و گذشت فرمایی.

«که مردمان کریم، پذیرای عذرند» و تو ای سرورم اهل کرم هستی.

از خداوند بلند مرتبه توانا می‌خواهیم که شرّ هر ناخوشی و ناپسندی و شرّ هر کس از امثال فلانی‌ها - که شرّ و بدی را برای شما می‌خواهند از شما و انصار دور گرداند!

... که فهرست نام این اهل شرّ و بدی طولانی است؛ آنان که اموال مردم را به ناحق می‌خورند و کسانی که مردم را نه در نماز، نه در روزه، نه در عید و نه در... به توحید فرامی‌خوانند.

آن‌ها مردم را فقط به توحید بر وجوب اطاعت از شیطان؛ انتخاب شیطان، عبادت شیطان و دور شدن از قرآن و عترت پاک رسول خدا صلی الله علیه و آله دعوت می‌کنند. همان کسانی که حرام خدا را حلال کرده و حلال خدا را حرام کرده‌اند (خداوند لعنتشان کند)، و بار دیگر ای سرورم - از شما برای به درازا کشیدن سخن پوزش می‌خواهم.

و نهایت خواست ما اینکه؛ سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است که ما را به واسطه ملائکه آسمان به این راه حق و پر برکت هدایت فرمود.

والسّلام علیکم ورحمة الله و برکاته.

احمد و صادق (استراليا)

از شما تمنا دارم که به‌طور خاص- برای توفیق و ثبات قدم، دعا فرمایید تا بتوانیم آن کسی را که مایه انبساط خاطر فرشتگان آسمان است یاری رسانیم، از آنکه جدش به مقام «قاب قوسین او ادنی» رسید، امام مهدی حجت بن الحسن (که جان‌های ما فدای خاک قُدمش)!

پاسخ سید احمد الحسن علیه السلام

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

والحمد لله رب العالمین، و صلی الله علی محمد و آل محمد الاثمّه و المهدیین
و سلم تسليماً

و سپاس و ستایش تنها از آن خداوند، آن پروردگار جهانیان است، و صلوات
تامّ و تمام خدا بر محمد و آل محمد، ائمّه و مهدیین باد!

هر کدام از شما باید خدا را در هر چیز، با هر چیز، بعد از هر چیز و قبل از هر
چیز ببیند تا جایی که خدا را بشناسد و پرده‌ها از برابرش برداشته شود، تا همه چیز
را به واسطه خدا ببیند، که در این صورت دیگر شما آثار (خلقت) را دلیل بر مؤثر
سبحان نخواهید برشمرد بلکه او را دلیل بر آثار خواهید دانست.

امام حسین علیه السلام می فرماید:

إلهی تَرَدَدِي فِي الْأَثَارِ يُوجِبُ بَعْدَ الْمَزَارِ، فَاجْمَعْنِي عَلَيْكَ بِخِدْمَةِ
تُوصِلُنِي إِلَيْكَ، كَيْفَ يُسْتَدَلُّ عَلَيْكَ بِمَا هُوَ فِي وُجُودِهِ مُفْتَقِرٌ إِلَيْكَ؟!
أَيَكُونُ لِعَيْرِكَ مِنَ الظُّهُورِ مَا لَيْسَ لَكَ حَتَّى يَكُونَ هُوَ الْمُظْهَرُ لَكَ؟! متى
غَبَتْ حَتَّى تَحْتَاجَ إِلَى دَلِيلٍ يَدُلُّ عَلَيْكَ؟! وَمَتَى بَعُدَتْ حَتَّى تَكُونَ الْأَثَارُ
هِيَ الَّتِي تُوصِلُ إِلَيْكَ؟ عَمِيَتْ عَيْنٌ لَا تَرَاكَ عَلَيْهَا رَقِيْبًا، وَخَسِرَتْ صَفْقَةٌ

عَبْدٍ لَمْ تَجْعَلْ لَهُ مِنْ حُجْبِكَ نَصِيئًا...^(۱)

... معبود من! چون به یکایک آثار برای شناسایی ات توجه کنم، راه وصول و شهودت از من دور گردد، پس مرا خدمتی فرما که به وصال و شهود جمالت زود رساند. چگونه من به آثاری که در وجود خود به تو محتاج اند بر وجود تو استدلال کنم؟ آیا موجودی غیر از تو ظهوری دارد که مال تو نباشد و بتواند مظهر تو و سبب ظاهر شدن تو باشد؟ تو کی از نظرها پنهان بودی تا به دلیل و برهان نیاز داشته باشی که به تو راهنمایی کند؟! و کی از ما دور بودی تا آثار و مخلوقات ما را به تو برساند؟! دیده‌ای که تو را همراه خود نمی‌بیند کور است و زیان‌دیده، قلب آن بنده‌ای که از محبت تو بهره‌ای ندارد... .

گل را از چشم‌ها و گوش‌های خود بشوید تا خدا را ببینید و بشنوید، که او با شما سخن می‌گوید حتی از درون سنگ... .
 به جاهلانی که خود را علما می‌نامند متمایل نشوید و بر آن‌ها تکیه نکنید که آن‌ها گوش‌ها و چشم‌های شما را آکنده از گل و شما را به این عالم مادی فانی و ظواهر فریبده‌اش پایبند می‌کنند.
 به سخنان آن‌ها گوش نسپارید، که اینان حتی دست‌های خود را نمی‌بینند...
 در حالی که نهایت علم آن‌ها همین عالم فانی است.
 در برابر آن‌ها سر فرود نیاورید در حالی که آن‌ها به رؤیا کفر می‌ورزند؛ حال

آنکه رؤیا راهی است به سوی ملکوت آسمان‌ها.

در ملکوت آسمان‌ها بنگرید، به ملکوت آسمان‌ها گوش فرا دهید و به ملکوت آسمان‌ها ایمان بیاورید زیرا این همان حقی است که پیامبران و اوصیای الهی به آن ایمان آوردند ولی علمای بی‌عمل به آن کفر ورزیدند. همان کسانی که در هر زمانی با پیامبران و اوصیا به نبرد برخاستند.

اینان همان‌هایی هستند که در آخرالزمان؛ آمریکا، دموکراسی آمریکایی و انتخابات آمریکایی را به حساب می‌آورند ولی خداوند متعال را به حساب نمی‌آورند: ﴿مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾.^(۱) **خدا را چنانکه سزاوار او است بزرگ نداشتند. هر آینه خدا نیرومند و پیروز است.**

خداوند، حاکمیت خدا و قرار دادن جانشین خدای پاک و منزّه را به حساب نمی‌آورند، پس آن‌ها صورتی برای دجال بزرگ - آمریکا - شدند، چنانکه پیامبران و اوصیا الهی چهره‌ای برای خداوند سبحان و متعال بودند.

قرآن را بخوانید و در قرآن و در داستان‌های پیامبران و اوصیای الهی - که جانشینان خدا در زمینش بوده‌اند - به درستی بیاندیشید، و همین‌طور در سرنوشت امت‌های پیشین که آنان را تکذیب کردند و رهبران این امت‌ها همان علمای بی‌عمل - تأمل کنید. سپس به خویشتن خود مراجعه کنید و ببینید که آیا صاحب حق از سیره و روش و سنت پیامبران و اوصیا الهی تجاوز کرده است؟ و ببینید که دشمنان صاحب حق - علمای بی‌عمل - آیا جز سیره و راه و سنت دشمنان پیامبران و اوصیا را پیموده‌اند؟

به خدا قسم چیزی نگفتم مگر آنچه پدران صالحم فرموده‌اند؛ همان کسانی که مردم را به یاری دادنم سفارش نمودند و در وصیت‌های خود مرا نام بردند. نوح، ابراهیم، اسماعیل، محمد ﷺ، علی، حسن، حسین و امامان (علیهم‌السلام) **﴿وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ﴾** ^(۱) و آنرا در فرزندان خود سخنی پاینده کرد، باشد که به خدا بازگردند.

و آنرا سخنی ماندگار در ذریه‌اش قرار داد به امید آنکه به آن بازگردند. و علمای بی‌عمل جز آنچه را که نمرود، فرعون، ابوسفیان و ولید (که لعنت خدا بر آنها باد) گفتند، بر زبان نراندند. گفتند: **﴿إِنْ رَسُولُكُمْ أَلَدِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ﴾** ^(۲) این فرستاده‌ای که بر شما فرستاده شده، قطعاً دیوانه است. و گفتند: **﴿إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ * إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ﴾** ^(۳) این جز جادویی که (دیگرانش) آموخته‌اند نیست * این نیست مگر سخن آدمی. و گفتند: **﴿أَلْقَى الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلٌ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ﴾** ^(۴) آیا از میان همه ما، ذکر (کلام خدا) به او القاء شده است؟ نه، بلکه او دروغ‌گویی است گستاخ. و گفتند: **﴿بَلْ قَالُوا أَضْغَاثُ أَحْلَامٍ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بِآيَةٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ﴾** ^(۵) گفتند: نه، خواب‌های پریشان است، یا دروغی است که می‌بندد یا

۱- زخرف: ۲۸.

۲- شعرا: ۲۷.

۳- مدثر ۲۴ و ۲۵.

۴- قمر: ۲۵.

۵- انبیاء: ۵.

شاعری است، پس برای ما از آن گونه که به پیامبران پیشین داده شده بود معجزه‌ای بیاورد.

و گفتند و گفتند و گفتند....

﴿وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ﴾^(۱) نادانان گفتند: چرا خدا با ما سخن نمی‌گوید؟ یا معجزه‌ای بر ما نمی‌آید؟ پیشینیان‌شان نیز چنین سخنانی می‌گفتند، دل‌هایشان همانند یکدیگر است، ما برای آنان که به یقین رسیده‌اند آیات را بیان کرده‌ایم.

من آمده‌ام تا به حق گواهی دهم، و حق را می‌گویم. به همین منظور به دنیا آمدم و بر همین منهج از دنیا خواهم رفت؛ ان‌شاءالله!

اما شما: اگر می‌خواهید برای حق گواهی دهید؛ گواهی دهید، ولی اگر تلخی و سنگینی آن را دیدید خدا را برای این نعمت بزرگ که بر شما منت نهاده است سپاس گوئید؛ چرا که حق، سنگین و تلخ است و باطل سبک و شیرین.

بدانید که دعوت شما همان دعوت پیامبران و اوصیاء است. پس بدانید و شاهدانی بر مردم باشید، همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله بر شما شاهد است و عمل شما را خداوند، فرستاده‌اش، پیامبران، اوصیاء و مؤمنان نظاره‌گر خواهند بود. پس صبر پیشه کنید و به بردباری سفارش و قلب‌ها را به هم نزدیک کنید و با اهل هر کتابی با کتاب خودشان احتجاج کنید. با اهل انجیل با انجیل خودشان استدلال کنید، زیرا قضیه شما در انجیل آن‌ها آمده است؛ نه به صورت مختصر و گذرا

بلکه با شرح و تفصیل!

انجیل یوحنا - اصحاب شانزدهم

عیسی (علیه السلام) می فرماید: «۵ اما الآن نزد فرستنده خود می روم و کسی از شما از من نپرسد به کجا می روی ۶ ولیکن چون این را به شما گفتم، دل شما از غم پُر شده است ۷ و من به شما راست می گویم که رفتن من برای شما بهتر است؛ زیرا اگر نروم تسلی دهنده نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم او را نزد شما می فرستم ۸ و چون او آید، جهان را بر گناه و عدالت و داوری ملزم خواهد نمود ۹ اما بر گناه؛ زیرا آن‌ها به من ایمان نمی آورند ۱۰ و اما بر عدالت، از آن سبب که نزد پدر خود می روم و دیگر مرا نخواهید دید ۱۱ و اما بر داوری، از آن رو که بر رئیس این جهان حکم شده است ۱۲ و بسیار چیزهای دیگر نیز دارم که به شما بگویم، ولی الآن طاقت تحمل‌شان را ندارید ۱۳ ولی هنگامی که او یعنی روح راستی بیاید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که از خود تکلم نمی کند بلکه فقط به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت».

این عیسی (علیه السلام) است که در انجیل به من بشارت می دهد؛ انجیلی که آن‌ها به آن اعتراف دارند و به آن اقرار می کنند.

انجیل متی - اصحاب بیست و چهارم

عیسی (علیه السلام) می فرماید: «۴۴ پس شما باید همیشه آماده باشید، زیرا پسر انسان در ساعتی که انتظار ندارید خواهد آمد. ۴۵ کیست آن غلام امین دانا که اربابش

او را به سرپرستیِ خادمانِ خانهٔ خود گمارده باشد تا در وقت مناسب جیرهٔ آنان را بدهد. ۴۶ خوشا به حال آن غلام که وقتی اربابش برمی گردد او را این گونه ببیند. ۴۷ حق را به شما می گویم که او ادارهٔ تمام مایملک خود را به عهدهٔ وی خواهد گذاشت».

تصوّر نمی کنم برای فهمیدن این متون به دشواری چندانی نیاز باشد و همچنین برای شناختن فرستادهٔ امام مهدی (علیه السلام) و فرستادهٔ عیسی (علیه السلام) متن های دیگری نیز وجود دارند.

آن ها را به خواندن رؤیا یوحنا ی لاهوتی^(۱) راهنمایی کنید؛ که اگر آن ها خواهان حق و یاری رساندن به عیسی (علیه السلام) باشند این رؤیا این دعوت مبارک را کامل توضیح می دهد و بیان می دارد.

برخی از متون رؤیای یوحنا ی لاهوتی که حق روشن و صاحب حق را معرفی می کند تقدیم شما می گردد:

اصحاح چهارم

« ۱ پس از این دیدم که ناگاه دروازه ای در آسمان باز شد و آن آواز اوّل را که چون گَرَنّا شنیده بودم با من سخن می گفت، دیگر باره می گوید: به اینجا صعود کن تا اموری را که پس از این باید واقع شود به تو بنمایم. ۲ فی الفور در روح شدم و به ناگاه تختی در آسمان بود و بر آن تخت نشیننده ای. ۳ و آن نشیننده، در صورت، مانند سنگ یشم و عقیق است و رنگین کمانی گرداگرد

۱- می توانید به انتهای کتاب عهد جدید - انجیل مراجعه نمایید.

تخت که به منظر، شباهت به زمرد دارد ۴ و گرداگرد تخت، بیست و چهار تخت است؛ و بر آن تخت‌ها بیست و چهار پیر که جامه‌های سفید دربردارند، نشسته دیدم در حالی که بر سر ایشان تاج‌های زرین ۵ و از تخت، برق‌ها، رعدها و صداها برمی‌آید...».

اصحاح پنجم

۱) و دیدم بر دست راست تخت‌نشین، کتابی را که مکتوب است از درون و بیرون، مختوم به هفت مهر ۲ و فرشته‌ای قوی را دیدم که به آواز بلند ندا می‌کند که کیست مستحق اینک این کتاب را بگشاید و مهرهایش را بردارد؟ ۳ و هیچ کس نه در آسمان و نه در زمین و نه در زیر زمین نتوانست آن کتاب را بگشاید یا بر آن نظر کند. ۴ من به شدت می‌گریستم؛ زیرا هیچ کس که شایسته گشودن کتاب یا خواندن آن یا نظر کردن بر آن باشد یافت نشد. ۵ و یکی از آن پیران به من می‌گوید: گریان مباش! اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است غالب آمده تا کتاب و هفت مهرش را بگشاید. ۶ و به ناگاه دیدم در میان تخت و آن چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای گویا ذبح شده ایستاده است و هفت شاخ و هفت چشم دارد که هفت روح خدایند که به تمامی جهان فرستاده می‌شوند. ۷ پس او آمد و کتاب را از دست راست تخت‌نشین گرفت. ۸ و چون کتاب را گرفت، آن چهار حیوان، و بیست و چهار پیر به حضور بره درافتادند و هر یکی از ایشان بربطی و کاسه‌های زرین پر از بخور دارند که دعاهای مقدسین است. ۹ و سرودی جدید می‌سرایند و می‌گویند، تو مستحق گرفتن کتاب و

گشودن مُهرهایش هستی؛ زیرا که ذبح شدی و مردمان را برای خدا به خون خود از هر قبیله و زبان و قوم و اُمّت خریدی. ۱۰ و ایشان را برای خدای ما پادشاهان و کهنه ساختی و بر زمین سلطنت خواهند کرد. ۱۱ و دیدم و شنیدم صدای فرشتگان بسیار را که گرداگرد تخت و حیوانات و پیران بودند و عدد ایشان کرورها کرور و هزاران هزار بود؛ ۱۲ که به آواز بلند می گویند: مستحقّ است او بیره ذبح شده. که قوّت و دولت و حکمت و توانایی و اکرام و جلال و برکت یابد. ۱۳ و هر مخلوقی را که در آسمان و بر زمین و زیر زمین و در دریا است، هر آنچه در آنها است، شنیدم که می گویند: تخت نشین و برّه را برکت و تکریم و جلال و توانایی باد تا ابد الابدین. ۱۴ و چهار حیوان گفتند، آمین! و آن بیست و چهار پیر برای آن زنده تا ابد الابدین به روی درافتادند و سجده نمودند».

اصحاح چهاردهم

«و دیدم که اینک، برّه بر کوه صهیون ایستاده است و با وی صد و چهل و چهار هزار نفر که اسم پدر او را بر پیشانی خود مرقوم دارند...».

آنکه انصار پدرش را گرد می آورد چه کسی غیر از اولین مؤمنان از ذریّه امام مهدی (علیه السلام) است؟!!!

این بیست و چهار پیر چه کسانی غیر از امامان دوازده گانه و مهدیین دوازده گانه هستند؟!!!

و آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است، همان که کتاب و مهرهای آن را می گشاید، آیا همان شیری نیست که همراه علی (علیه السلام) در جنگ خیبر و

احد و بدر و... حمله می کرد...!!!

او از سبط یهودا است؛ زیرا مادر او از بنی اسرائیل (نرجس) مادر امام مهدی علیه السلام است.

و آن برّه‌ای که چنین وصف شده است «برّه‌ای ایستاده دیدم گویا ذبح شده» در حالی که هفت شاخ و هفت چشم - که نمادهای معصومین دوازده گانه (چهارده گانه) محمد، علی، فاطمه، حسن و حسین و ائمه علیهم السلام هستند - داشت چه کسی است؟ آیا به غیر از مهدی اول و یمانی فرستاده امام مهدی علیه السلام و فرستاده عیسی علیه السلام است؟!!!

در رؤیا یوحنا - اصحاب هفدهم

«... ۱۲ و آن ده شاخ که دیدی ده پادشاه هستند که هنوز سلطنت نیافته‌اند بلکه به سان پادشاهان، در یک ساعت با آن وحش سلطنت خود را دریافت می‌کنند. ۱۳ این‌ها یک رأی دارند و قدرت و سلطنت خود را به وحش می‌دهند. ۱۴ ایشان با برّه خواهند جنگید و برّه بر ایشان غالب خواهد آمد، زیرا او ربّ الارباب و پادشاه پادشاهان است و آنان که با وی هستند خوانده شده، برگزیده و ایمان آورندگانند...».

اصحاب هجدهم

«۱ بعد از آن دیدم فرشته‌ای دیگر از آسمان نازل شد که قدرتی عظیم داشت و زمین به جلال او منور شد. ۲ و با صدایی بسیار بلند فریاد زده، گفت: منهدم

شد، منهدم شد بابل بزرگ! و او مسکن دیوها و پناهگاه هر روح خبیث و سرپناه هر مرغ ناپاک و مکروه (منظور هواپیماهای جنگی آمریکایی است) گردیده است. ۳ زیرا که از خمر غضب آلود زناى او همه امت‌ها نوشیده‌اند و پادشاهان جهان با وی زنا کرده‌اند و تجار جهان از کثرت عیاشی او دولت‌مند گردیده‌اند. ۴ و صدایی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من از آنجا بیرون آید، مبادا در گناهانش شریک شده، بلاهایش به شما برسد. ۵ زیرا گناهانش تا به فلک رسیده و خدا ظلم‌هایش را به یاد آورده است. ۶ آنچه را که او داده است به خودش بازگردانید و به حسب کارهایش دو چندان به او جزا دهید و در پیاله‌ای که او آمیخته است، برایش دو چندان بیامیزید. ۷ به اندازه‌ای که خویشتن را تمجید کرد و عیاشی نمود، به همان اندازه عذاب و ماتم به او دهید، زیرا که در دل خود می‌گوید: من به مقام ملکه نشسته‌ام و بیوه نیستم و هرگز ماتم نخواهم دید. ۸ از همین رو بلایای او از مرگ و ماتم و قحط در یک روز خواهد آمد و به آتش خواهد سوخت، زیرا که پروردگار -خدایی که بر او داوری می‌کند- زور آور است. ۹ آن‌گاه پادشاهان دنیا که با او زنا و عیاشی نموده‌اند -چون دودِ سوختن او را بینند- گریه و ماتم خواهند کرد ۱۰ و از خوف عذابش دور ایستاده، خواهند گفت: ای وای! ای وای! ای شهر عظیم! ای بابل! شهر محکم و استوار!!!! زیرا که در یک ساعت عقوبت تو آمد. ۱۱ و تجار جهان برای او گریه و ماتم خواهند نمود، زیرا که از این پس کالاهایشان را کسی نخواهد خرید ۱۲ کالاهایی از طلا و نقره و جواهر و مروارید و کتان نازک و ارغوانی و ابریشم و قرمز و عود قماری و هر ظرف عاج و ظروف چوب گران‌بها و مس و آهن و مرمر ۱۳ و دارچینی و بخورها و خوشبوی‌ها و مُرّ و کُنْدَر و شراب و روغن و آرد

و گندم و رمه‌ها و گله‌ها و اسب‌ها و ارابه‌ها و اجساد و نفوس مردم. ۱۴ و حاصل شهوت نفس تو از وجودت رفت و هر چیز فربه و روشنی از تو نابود گردید و دیگر آن‌ها را هرگز نخواهی یافت. ۱۵ و تاجران این چیزها که از وی دولتمند شده‌اند از ترس عذابی که او می‌کشد- دور ایستاده، گریان و ماتم‌کنان ۱۶ خواهند گفت: وای، وای! ای شهر عظیم که به کتان و ارغوانی و قرمز مُلبَّس بودی و به طلا و جواهر و مروارید مزین، ۱۷ زیرا که در یک ساعت، بی‌نیازی این چنین خراب شد. و هر ناخدا و کل جماعتی که بر کشتی‌ها هستند و ملاحان و هر که شغل دریا دارد دور ایستاده‌اند، ۱۸ چون دودِ سوختن آن را دیدند فریاد کنان گفتند: کدام شهر است مثل این شهر بزرگ! ۱۹ و خاک بر سر خود ریخته، گریان و ماتم‌کنان فریاد برآورده، می‌گفتند: وای! وای بر آن شهر بزرگ که هر کس که در دریا صاحب کشتی بود از نفایس او دولتمند گردید؛ که در یک ساعت ویران گشت. ۲۰ پس ای آسمان و مقدسان و رسولان و انبیا شادی کنید زیرا خدا انتقام شما را از او گرفته است. ۲۱ و یک فرشته قدرتمند سنگی مانند سنگ آسیای بزرگ را گرفته، به دریا انداخت و گفت: اینچنین به یک صدمه شهر بابل منهدم خواهد گردید و دیگر هرگز یافت نخواهد شد. ۲۲ و صوت برِبط زنان و آوازه خوانان و نی‌زنان و کرنا نوازان بعد از این در تو شنیده نخواهد شد و هیچ صنعتگری از هر صنعتی دیگر در تو یافت نخواهد شد و باز صدای آسیا در تو شنیده نخواهد گردید، ۲۳ و نور چراغ در تو دیگر نخواهد تابید و آواز عروس و داماد باز در تو شنیده نخواهد شد زیرا که تجار تو متکبران جهان بودند و از جادوگری تو تمام امت‌ها گمراه شدند. ۲۴ و در آن، خون انبیا و

مقدسان و خونِ تمام کشته شدگانِ روی زمین یافت شد.».

بابل به عراق اشاره دارد، زیرا در آن زمان بابل پایتخت عراق بود پس تمامی جنگ‌ها و فتنه‌ها در عراق و زمین آن صورت می‌گیرد. اهل بیت (علیهم السلام) در روایات از ویران شدن بغداد که توسط دولت‌های دیگر و اینکه فتنه‌ها به آن وارد می‌شوند یاد فرموده‌اند:

امام صادق (علیه السلام) دربارهٔ بغداد می‌فرماید: «در خشم و لعنت خداوند! فتنه‌ها آن را ویران و با خاک یکسان می‌کنند. وای برای آن و هر کس که در آن ساکن باشد، از پرچم‌های زرد و پرچم‌های مغرب و آن‌ها که از جزیره می‌آیند و پرچم‌هایی که از هر سو از دور و نزدیک به سوی آن‌ها خواهد آمد. به خدا قسم از انواع عذاب بر آن‌ها نازل شود که هیچ امتی از گذشتگان تا آیندگان ندیده و عذابی بر آن‌ها نازل شود که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی به ماندش را نشنیده است. طوفانی که مردم آن‌را فرا می‌گیرد جز با شمشیر نخواهد بود. وای بر کسانی که در آن مسکن گزینند، چرا که اقامت‌کننده در آن با شقاوت خود مانده و خارج شدگان از آن با رحمت خدا خارج شده‌اند.

به خدا سوگند اهالی آن باقی خواهند ماند تا اینکه گویند خانه‌ها و قصرهایش بهشت و زنانش حورالعین و جوانانش جوانان بهشتی‌اند. گمان می‌کنند که خداوند تمام ارزاق را فقط در آن تقسیم کرده است. در آن افتراها به خدا و رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می‌بندند و حکم به خلاف کتاب خدا می‌دهند و گواهی دروغین و شرب خمر و فجور و خوردن حرام و خون‌ریزی کنند. از دنیا چیزی نماند مگر اینکه در آن باشد. سپس خداوند متعال با آن فتنه‌ها و پرچم‌ها زوراء را خراب می‌کند تا حدی که وقتی کسی از آنجا گذر کند بگوید زمانی اینجا زوراء

بود»^(۱).

اصحاح نوزدهم

«.....۷ باید شادی و هلهله کنیم و او را بزرگ شماریم زیرا نکاح برّه رسیده و عروش خود را آماده ساخته است ۸ و به او داده شد که به کتانی پاک و روشن ملبس شود، زیرا آن کتان، نیکی‌های مقدّسان است ۹ سپس مرا گفت: بنویس خوشا به حال کسانی که به بزم نکاح برّه دعوت شده‌اند. و گفت این‌ها کلمات صادق خداوند است.... ۱۱ سپس دیدم آسمان باز شد و ناگهان اسبی سفید دیدم که سواری بر آن نشسته، امین و صادق نامیده می‌شد، که با عدالت حکم می‌کند و می‌جنگد ۱۲ چشمانش چون شعله آتش و بر سرش تاج‌های بسیار، و نامی مکتوب دارد که جز خودش هیچ کس آن را نمی‌داند. ۱۳ جامه‌ای خون‌آلود بر تن دارد و نام او «کلمه خدا» خوانده می‌شود. ۱۴ و لشکریانی که در آسمان بودند سوار بر اسب‌های سفید با لباس‌های کتان سفید و پاک و درخشان از پی‌اش می‌آیند. ۱۵ از دهانش شمشیری تیز بیرون می‌آید که....».

و سوار بر اسب سفید در این رؤیا همان مهدی اول، یمانی است.

اصحاح بیست و یکم

«..... و به من گفت: بنویس زیرا که این سخنان راست و امین است. ۶ باز مرا گفت: تمام شد! من الف و یا و ابتدا و انتها هستم. من به هر که تشنه باشد از

چشمه آب حیات، رایگان خواهیم داد. ۷ و هر که غالب آید وارث همه چیز خواهد شد، و من او را خدا خواهیم بود و او مرا پسر خواهد بود....».

الف و یا و ابتدا و انتها: این شخص امام مهدی است و کسی که پیروز می‌گردد همان شیری است که در رؤیا غالب می‌شود و او مهدی اول یمانی است.

اگر بخواهید به بررسی متن‌ها پردازید مطلب به طول خواهد انجامید چرا که این متون واقعاً بسیارند؛ متونی که کسی آن‌ها را انکار و تحریف نمی‌کند؛ و مرا جز اهل باطل و آنان که از باطل پیروی می‌کنند (خداوند لعنتشان کند) انکار نمی‌کند.

خدا را اطاعت کنید، به سوی خدا رهسپار شوید، در ملکوت آسمان‌ها نظاره کنید و از ملکوت آسمان‌ها بشنوید، گل را بشوید و خود را پاک گردانید و به خداوند گوش بسپارید که او از دیرباز در همه چیز با مردم سخن گفته و می‌گوید، اما مردم نمی‌شنوند: ﴿...لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا...﴾^(۱) (...اینان را دل‌هایی است که با آن نمی‌فهمند و چشم‌هایی است که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی است که با آن نمی‌شنوند....).

به آنچه از ملکوت آسمان‌ها می‌شنوید و آنچه در ملکوت آسمان‌ها می‌بینید گواهی دهید، مردم را با حق آشنا کنید، آنان را به حق دعوت کنید و همگان را به سفره‌ای که از آسمان فرود آمده است دعوت کنید، چه بسا بسیاری از کسانی

که به ظاهر نماز و دعا را طولانی می‌کنند بر این سفره حاضر نشوند، اما زناکاران، شراب‌خواران و خطاکاران بر این سفره حاضر شوند و به سوی خدا بازگردند. من برای این هدف مبعوث شده و برای اصلاح این افراد آمده‌ام؛ خوشا به حال آنان اگر توبه کرده، بر سفرهٔ بزم عروسی بره حاضر شوند؛ خوشا به حال آنان که در من لغزش نخورند.

در انجیل متی. اصحاب پیست و دوم

۱ و عیسی باز به مثل‌ها ایشان را خطاب کرده، سخن آغاز کرده ۲ ملکوت آسمان‌ها را تشبیه به انسان پادشاهی کرد که برای پسرش عروسی گرفته است ۳ و بندگان خود را فرستاد تا دعوت‌شوندگان به عروسی را فراخوانند، ولی آنان نمی‌خواستند بیایند. ۴ دوباره غلامانی دیگر را فرستاده، فرمود: به دعوت-شوندگان بگوئید که اینک خوان خود را مهیا ساخته‌ام. گاوها و پرواری‌هایم ذبح شده و همه چیز مهیا است. به عروسی بیایید. ۵ اما آن‌ها سستی نموده، یکی رهسپار کشتزار خود شد و دیگری به تجارت خود مشغول. ۶ و دیگران غلامان او گرفته، دشنامشان دادند و آن‌ها را کشتند. ۷ پس هنگامی که پادشاه این را شنید غضب کرده، سپاهیان را گسیل داشت و آن قاتلان را کشتند و شهرشان را به آتش سوزاندند. ۸ آن‌گاه غلامان خود را فرمود: عروسی همچنان مهیا است ولی دعوت‌شوندگان لیاقتش را نداشتند. ۹ پس بر سر دو راهی‌های راه‌ها بروید و هر که را که دیدید به عروسی دعوت کنید. ۱۰ آن غلامان بر سر راه‌ها رفتند و هر کس را که از خوب و بد یافتند گرد آوردند، چنانچه عروسی از حاضرین

مملو گشت ۱۱ وقتی پادشاه به جهت دیدن اهل مجلس وارد شد یک انسان را در آنجا دید که جامه عروسی بر تن ندارد. ۱۲ پس او را فرمود: ای رفیق! تو چطور به عروسی آمده‌ای در حالی که لباس عروسی بر تن نداری؟ پس او خاموش شد. ۱۳ آن گاه پادشاه به خدمتگزاران فرمود: دو پا و دو دست او را ببندید و او را گرفته، در تاریکی‌های بیرون بیاندازید؛ جایی که گریه‌ها باشد و صدای سایش دندان‌ها. ۱۴ چرا که دعوت شدگان بسیار و برگزیدگان اندک اند...»^(۱).

بسیاری از مسیحیان این روزها انتظار عیسی (علیه السلام) را می‌کشند و می‌دانند که این روزها، روزهای بازگشت او و روزهای قیامت صغری است؛ پس آن‌ها را آگاه کنید که بعثت عیسی (علیه السلام) از مشرق بود و بازگشتش نیز به همین صورت خواهد بود، و آن فرستاده شده (تسلّی دهنده) که عیسی (علیه السلام) خبرش را در انجیل داده است و عیسی (علیه السلام) او را خواهد فرستاد از مشرق خواهد بود. حتی پیکارهای سخت در آخرالزمان در مشرق خواهد بود، به خصوص در عراق، همان‌گونه رؤیای یوحنا گفته و عراق را «بابل بزرگ» نامیده است.

به آن‌ها خبر دهید: شیری که از نوادگان یهودا و از ریشه داوود است پیروز گشته تا کتاب را باز کند و مهرهایش را از آن بردارد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «علمی نیست جز اینکه من آن‌را گشوده‌ام و سِری نیست مگر اینکه قائم آن‌را ختم کند»^(۲).

۱- عهد قدیم و جدید: جلد دوم، مجمع‌الکنائس الشریقه، ص ۴۰.

۲- مستدرک سفینه البحار: ج ۱۰ ص ۳۵۰.

رؤیای یوحنا. اصحاب پنجم

«... اینک آن شیری که از سبط یهودا و ریشه داوود است غالب آمده تا

کتاب و هفت مهرش را بگشاید. ۶ و به ناگاه دیدم در میان تخت و آن چهار حیوان و در وسط پیران، بره‌ای گویا ذبح شده ایستاده است...».

و در اصحاب شش

۱ و دیدم چون بره یکی از مهرهای هفت گانه را گشود شنیدم یکی از چهار حیوان با صدایی رعد آسا می گفت: بیا و بنگر. ۲ من نگریستم و ناگاه اسبی سفید دیدم که سوارش کمانی دارد و به او تاجی داده شد و پیروز بیرون آمد تا غالب شود ۳...».

به آن‌ها خبر دهید «بره ذبح شده ایستاده» آمده است؛ پس کسی که می خواهد جامه هایش را با خون او بشوید چنین کند تا پاکیزه گردد و مقدس شود و نصیبی در ملکوت آسمان‌ها داشته باشد و تا در ملکوت آسمان‌ها بنگرد.

گنه کار تقصیر کار

احمد الحسن

ربیع الثانی ۱۴۲۷ هـ ق^(۱)